

روش‌شناسی تطبیقی احادیث مهدویت در مکاتب حدیثی قم، بغداد و اصفهان

علی راد^۱
مریم نساج^۲

چکیده

باتوجه به متفاوت بودن روش‌ها در مکتب‌های حدیثی، بررسی روش هر کدام از سه مکتب حدیثی قم، بغداد و اصفهان می‌تواند ما را به مجموعه اندیشه‌هایی که در مبانی اخذ و نقل حدیثی، دیدگاهی همسو یا متفاوت دارند؛ آشنا سازد. در این مقاله سعی بر این است که روش‌شناسی احادیث مهدویت از دیدگاه این سه مکتب بیان شود: از مکتب حدیثی قم، کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق؛ از مکتب حدیثی بغداد، کتاب الارشاد شیخ مفید و از مکتب حدیثی اصفهان، کتاب بحارالانوار علامه مجلسی انتخاب شده است. از جمله اهداف، بازشناسی اصول و معیارهای مولفان در گزینش، گزارش، تحلیل و تبیین محتوایی و اعتبارسنجی روایات مهدویت است. از این رو، به بررسی تطبیقی و بیان وجوه اشتراک و افتراق این سه کتاب پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، احادیث مهدویت، مکتب حدیثی، الارشاد، کمال الدین و تمام النعمه، بحارالانوار.

ali.rad@ut.ac.ir

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران

noha114@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه قرآن و حدیث (پردیس تهران)

مقدمه

باتوجه به متفاوت بودن مکاتب حدیثی، در این مقاله سعی شده به بیان روش مولفان: شیخ صدوق صاحب کتاب کمال الدین و تمام النعمه؛ شیخ مفید صاحب کتاب الارشاد و علامه مجلسی صاحب تاریخ الحجه کتاب بحارالانوار در تاریخ مهدویت پرداخته شود؛ چرا که همه مولفان به صورت یکسان به ارائه گزارش‌های تاریخی و بررسی آن‌ها نمی‌پردازند و البته در این زمینه عوامل متعددی تأثیرگذارند در حقیقت، تفاوت نگاه مورخان و مولفان در این موضوع از تفاوت انگیزه‌ها، اهداف، روش‌ها و در برخی موارد از تفاوت منابع مورد استفاده مولفان نشأت می‌گیرد. در این مقاله به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

روش‌هایی متفاوت برای نوشتن تاریخ وجود دارند که عبارتند از: روش «روایی» «ترکیبی» و روش «تحلیلی»؛ روش روایی که یکی از مهم‌ترین روش‌های تاریخ‌نگاری اسلامی است، روایات مختلف را درباره حوادث تاریخی با درج سلسله اسناد به طور کامل یا ناقص ذکر می‌کند. در روش ترکیبی، مورخ به جای ذکر روایات مختلف و اسناد یک واقعه، از راه مقایسه، ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن روایات، واقعه مذکور را طی یک روایت توضیح می‌دهد و در روش تحلیلی، مورخ در کنار نقل روایات غالباً ترکیبی، به تحلیل، تبیین و بررسی علل و نتایج آن می‌پردازد (سجادی و عالم زاده ۱۳۷۵: ۴۳-۴۵). در این مقاله، دیدگاه هر کدام از این سه مولف در مقوله تاریخ مهدویت و روش بهره‌گیری آن‌ها مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

ضمن توجه به پژوهش‌هایی که با عنوان «مهدویت در مکتب حدیثی قم، بغداد، اصفهان» صورت گرفته است؛ هیچ پژوهشی که به صورت تطبیقی یا جداگانه به بررسی روایات مهدویت پرداخته باشد، مشاهده نشده است؛ اما درباره روش علامه مجلسی در بحارالانوار، شیخ مفید در الارشاد و شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه؛ آثاری نگاشته شده است. در این قسمت به اقتضای رعایت اختصار، به برخی از این موارد اشاره می‌شود: مبانی و روش‌های فقه الحدیثی علامه مجلسی در بحارالانوار از عبدالهادی فقهی



زاده؛ آشنایی با بحارالانوار از احمد عابدی؛ شیخ مفید و تاریخ نگاری اسلامی از قاسم خانجانی و مقاله روش شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه از عاطفه زرسازان. لیکن هر کدام از این آثار به روش کلی پرداخته و به طور خاص روش احادیث مهدویت را مورد بررسی قرار نداده‌اند. لذا در این پژوهش ابتدا ویژگی‌های سه کتاب کمال الدین و تمام النعمه، الارشاد، تاریخ الحجه بحارالانوار را طرح و سپس وجوه افتراق و اشتراک روش مولفان را بیان می‌کنیم.

گذری بر سه کتاب کمال الدین و تمام النعمه، الارشاد، تاریخ الحجه بحارالانوار

کتاب «کمال الدین و تمام النعمه»، نوشته ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی، ملقب به شیخ صدوق (م ۳۸۱) است. اصطلاح «کمال الدین و تمام النعمه» از این آیه شریفه قرآن کریم گرفته شده است: «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳) و چون کمال دین در ولایت و امامت حضرت علی عليه السلام است و کمال امامت نیز در وجود مسعود دوازدهمین وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحقق می‌یابد؛ شیخ صدوق نام کتاب خود را «کمال الدین و تمام النعمه» گذاشت. کتاب از یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۵۸ باب و ۶۴۷ حدیث تشکیل شده است. مقدمه کتاب، حدود یک پنجم حجم کتاب را تشکیل داده و شامل مباحث کلامی در اثبات درستی عقیده امامیه در امر غیبت و حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و پاسخ به شبهات مذاهب کیسانیه، واقفیه و زیدیه است. سپس به ذکر انبیا و حجج الاهی که دارای غیبت بوده‌اند، می‌پردازد و به دنبال آن از معمران تاریخ یاد می‌کند. کتاب «الارشاد فی معرفة حُجَجِ اللَّهِ عَلَى الْعِبَاد» معروف به «الارشاد» نوشته شیخ مفید عالم و فقیه بزرگ شیعه در قرن چهارم و پنجم است. ایشان در این کتاب با استفاده از روایاتی که در اختیار داشته به نگارش تاریخ زندگانی ائمه علیهم السلام پرداخته است. شیخ مفید کتاب الارشاد را در سال ۴۱۱ هجری، یعنی دو سال قبل از وفاتش نگاشته است. ایشان در کتاب الارشاد همانند یک کتاب تاریخی عمل کرده و به بیان حوادث تاریخی پرداخته است. کتاب «بحارالانوار»، مشهورترین و مفصل‌ترین اثر علمی محمد باقر مجلسی است که

مجموعه‌ای گسترده از احادیث امامیه را در بردارد و «دایرة المعارف بزرگ احادیث شیعه» لقب گرفته و شامل یک مجموعه بزرگ روایی و تاریخی است. حجم زیادی از مطالب بحار الانوار را مباحث تاریخی تشکیل می‌دهد. تاریخ ائمه علیهم‌السلام از جمله مباحثی است که علامه مجلسی آن را با موضوع بندی و باب بندی بسیار مناسب، در ۲۹۷ باب بیان کرده است. علامه مجلسی تاریخ الحجّه را در ۱۲۹۷ روایت در ۳۱ باب به ترتیبی که در ادامه خواهد آمد، بیان داشته است.

در ذیل ابتدا موضوعات ذکر شده در سه کتاب را به صورت اجمالی مرور کرده، سپس به نقد و بررسی مطالب کتاب پرداخته می‌شود. به منظور درک بهتر موضوعات مختلف این کتاب‌ها و سنجش مواردی که بدان پرداخته‌اند، کلیه موضوعات در جدول ذیل احصا شده است:



۶۲

اسطر موعود

سال پانزدهم / شماره ۵۱ / زمستان ۱۳۹۴

تاریخ مهدویت

الارشاد شیخ مفید	بحار الانوار علامه مجلسی	کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق
-----	-----	خلافت (وجوب خلیفه الهی، وجوب خلیفه هر عصر)
-----	-----	امامت (عصمت، وجوب شناخت)
-----	-----	اخباری درباره پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</small> ، سلمان فارسی، ساعده ایادی، تبع، عبدالمطلب، ابوطالب، راهب بزرگ شام، یوسف یهودی و زید بن عمر
-----	-----	علل نیاز به امام
-----	-----	منکران امام دوازدهم
تاریخ میلاد (باب ۳۵)	ولادت با سعادت حضرت ولی عصر <small>علیه‌السلام</small>	میلاد قائم (باب ۴۲)
-----	و سرگذشت مادر بزرگوارش	درباره مادر قائم (باب ۴۳)
-----	نام‌ها، لقب‌ها، و کنیه‌های حضرت و وجه تسمیه آن‌ها	-----

نهی شدن از بردن نام مخصوص امام زمان <small>علیه السلام</small>	نهی از تسمیه قائم (باب ۵۶)
شمایل و اوصاف ظاهری حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> (فصل ۴)	صفات بارز و نسب امام زمان <small>علیه السلام</small>
آیاتی که در روایات تأویل به ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>	
دلایل امامت (باب ۳۶ و باب ۳۷) اخباری که در خصوص امامت امام دوازدهم به طور اجمال و تفصیل رسیده است	تصریح به امامت امام زمان <small>علیه السلام</small> از قول خداوند و از پیغمبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> حضرت امیرالمومنین <small>علیه السلام</small> ، امام حسن و حسین <small>علیه السلام</small> و امام سجاد و امام باقر و امام صادق و امام کاظم و امام رضا و امام جواد و امام هادی و امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> راجع به قائم آل محمد <small>علیه السلام</small>
اخبار کاهنان به ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>	
گفتار شیخ الطائفه راجع به اثبات غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small>	غیبت (اثبات و حکمت، مشاکله با انبیا) نقد فرق و پاسخگویی به شبهات آنان (کیسانیه، ناووسیه، واقفیه، زیدیه و خطایبه)
سنن پیغمبران در وجود مبارک حضرت و تطبیق غیبت ایشان با غیبت حضرت	غیبت پیامبران (ادریس، نوح، صالح، یوسف، موسی و عیسی <small>علیه السلام</small>)
اخبار معمرین تاریخ بشر و دفع استبعاد مخالفین غیبت طولانی آن حضرت	حکایت در مورد معمرین و درباره طول عمر
معجزات و خوارق عادات حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> (باب ۳۹)	معجزات حضرت
احوال سفرای امام زمان <small>علیه السلام</small>	

-----	کسانی که به دروغ ادعای بابت و سفارت کردند	
افرادى که حضرت قائم <small>علیه السلام</small> را دیده اند	کسانی که آن حضرت را دیده‌اند	کسانی که آن حضرت را دیده‌اند
-----	باب نوزدهم خبر سعد بن عبد الله اشعری و تشریف وی به حضور امام زمان <small>علیه السلام</small>	-----
علت غیبت	علت غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small>	-----
ثواب انتظار فرج (باب ۵۵)	فضیلت انتظار فرج و مدح شیعیان در زمان غیبت و آنچه شایسته است در آن زمان انجام شود	-----
-----	کسانی که در غیبت کبرا ادعای دیدن حضرت را کرده‌اند	-----
نشانه‌های ظهور قائم <small>علیه السلام</small> و سفیانی و دجال	علامات ظهور حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> مانند آمدن سفیانی و دجال	علائم ظهور
-----	روز قیام آن حضرت و علائم آن و آنچه بعد از قیام پدید می‌آید و چگونگی ظهور و مدت دولت ایشان.	آیین امام در هنگام ظهور و مدت دولت الاهیة او (باب ۳۵) و مدت دولت
-----	سیرت و اخلاق حضرت و احوال یاران وی	بیانی از سیرت و طریقه فرمانروایی حضرت (باب ۴۰)
-----	آنچه طبق روایت مفضل بن عمر در روزگار آن حضرت در جهان روی خواهد داد.	برخی اموری که در هنگام دولت حضرت رخ خواهد داد (باب ۴۰)
-----	در مورد رجعت	-----
-----	جانشینان مهدی موعود <small>علیه السلام</small> و اولاد او و آنچه بعد از وی روی می‌دهد	مدت امامت و روز جهان گشایی قائم <small>علیه السلام</small>
توقعات وارده از قائم <small>علیه السلام</small> (باب ۴۵)	توقعاتی از امام زمان <small>علیه السلام</small>	-----
نوادرات کتاب (باب ۵۸)	-----	-----

مقایسه و تحلیل

به نظر می‌رسد با توجه به موضوعاتی که شیخ صدوق در کتابش قید کرده، این کتاب در زمانی نوشته شده که پس از مدتی منکران امام زمان علیه السلام از فرقه‌های مختلف فزونی یافته و نیاز به اثبات امام از طریق مباحث کلامی و روایات از شیعه و عامه و حتی سایر کتاب‌ها به وجود آمد و لذا ابن بابویه کتاب کمال الدین را نوشت تا هم برای شیعیان مردد در خصوص امام زمان علیه السلام و هم برای منکران از عامه قانع کننده باشد؛ مخصوصاً در بحث غیبت که شبهه‌های فراوانی را که در مورد امام غایب و نحوه غیبت بوده است، پاسخ داده و طولانی بودن عمر را با موارد بسیار تاریخی اثبات کرده است. وی در این کتاب اصل را بر آوردن روایات گذاشته و از مباحث کلامی نیز بهره برده است (آزادی، ۱۳۹۱: ۱۶۵).

کتاب الارشاد شیخ مفید کتابی است تاریخی و روان که خود روایات را گزینش کرده است. این کتاب به اجمال به دنبال نشان دادن امتیازها و برجستگی‌های دوران زندگی امامان علیهم السلام بوده و خود بیان کرده که این اجمال گویی از نظر بی اطلاعی یا سهو و اشتباه نبوده؛ بلکه آنچه را در این کتاب آورده، برای معرفی شخصیت خاندان عصمت کافی دیده است (ارشاد، ۱۴۱۳: ۲).

موضوعات مطرح شده در هر دو کتاب دارای ارزش فراوان حدیثی و کلامی هستند؛ ولی متأسفانه از انسجام و نظم برخوردار نبوده و لذا در این کتاب‌ها یافتن یک موضوع به سختی صورت می‌گیرد و فهرست‌هایی که برای آن‌ها ذکر شده؛ اغلب ناقص و نارسا هستند.

علامه مجلسی به طور مفصل به بحث تاریخ مهدویت پرداخته است. وی با استفاده از دو کتاب کمال الدین و تمام النعمه و ارشاد شیخ مفید^۱ و منابع متعدد دیگر، حدود هزار و ۲۹۷ روایت را در ۳۱ باب دسته بندی و تنظیم کرده است که یافتن حدیث برای مخاطب آسان باشد.

۱. علامه در باب ۱۴ بحار، بخش معمرین را از کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق بهره برده است.

وجوه افتراق روش تاریخی

۱. مکاتب حدیثی

مقصود از مکتب‌های تاریخ‌نگاری، نوع دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها، مقاصد و نیز مواد، مضامین و موضوعات مورد توجه مورخ است. شناخت و تحلیل مکاتب حدیثی باعث شناخت زیربناهای فکر حاکم بر حوزه‌های حدیثی شیعی و جایگاه آن در نوع داوری نسبت به صحت و سقم معنای احادیث است. از جمله مکاتب حدیثی گوناگون می‌توان به مکتب حدیثی قم، بغداد و اصفهان اشاره کرد که هر کدام مشخصات خاص خود را دارد. در ذیل به برخی از این ویژگی‌ها، اشاره‌ای گذرا صورت می‌گیرد:

الف. مکتب حدیثی قم

قم از اواخر قرن اول هجری به عنوان کانون حضور شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قلمداد می‌شد. تعبیری همچون «قُمْ بَلَدْنَا وَ بَلَدُ شِيعَتِنَا» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۹)، یا «أَهْلُ قُمْ أَنْصَارُنَا» (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۵۷: ۲۱۴)، یا «وَ إِنْ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ بَلَدَةُ قُمْ» (همان: ۲۱۶)، یا «إِنَّ الْبَلَايَا مَذْفُوعَةٌ عَنْ قُمْ وَ أَهْلِهَا» (همان: ۲۱۳) و یا «لَوْلَا الْقُمِّيُونَ لَضَاعَ الدِّينُ» (همان: ۲۱۷)؛ گویای جایگاه علمی و معنوی این شهر است. تبخّر محدثان قم در فن حدیث موجب گردید که آنان مرجع مطمئنی در تصحیح کتاب‌ها و جوامع حدیثی باشند و همچنین به عنوان مشایخ حدیث، برای برخی از شخصیت‌های مبرز علمی شیعه نقش استادی اجرا کنند. ابوعمر و کشی نزد محمد بن قولویه قمی و شیخ مفید نزد جعفر بن محمد بن قولویه قمی و در نزد شیخ صدوق تلمذ کرده‌اند. درباره تألیفات برخی از محدثان مبرز قم، ارقام حیرت‌آوری نقل شده است، مثلاً شیخ صدوق تألیفات پدرش، علی بن بابویه قمی را قریب یکصد اثر ذکر می‌کند (آقا بزرگ تهرانی، ۱۹۸۵، ج ۱: ۱۸۵). این در حالی است که آمار تألیفات روایی خود وی را حدود سیصد اثر نقل کرده‌اند! (حلی، بی‌تا: ۱۴۷).

یکی از مشخصه‌های اصلی مکتب حدیثی قم، نص‌گرایی و پرهیز از اجتهاد و عقل‌گرایی، گرایش شدید به عمل بر طبق ظاهر احادیث و پرهیز از دخالت دادن عقل و اجتهاد در

فهم و نقادی معنای احادیث است. محدثان مکتب قم به تحلیل مسائل، به‌خصوص در مسائل کلامی بر اساس مبانی متخذ از عقل علاقه‌ای نشان نمی‌دادند. «نصّ گرای» یا گرایش «اهل الحدیث» در مکتب قم، در عصر غیبت صغرا و پس از آن، دنباله رو و استمرار گرایش سنتّ گرای دوره حضور ائمه علیهم‌السلام بوده است. این محدثان همّت خود را بر جمع آوری احادیث و ضبط و حفظ آن مصروف می‌داشتند (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۵: ۷۴).

ب. مکتب حدیثی بغداد

شروع به کار این حوزه حدیثی را نیز می‌توان به اواسط قرن دوم هجری مربوط دانست. از زمانی که منصور، خلیفه عباسی، پایتخت خود را با تأسیس بغداد، از کوفه بدان جا منتقل کرد و گروه‌هایی از شیعیان، به علل مختلف راهی بغداد شدند و در آن جا سکنا گزیدند، حدیث شیعی نیز به این ناحیه راه یافت. درباره گرایش‌های موجود در حوزه حدیثی بغداد، می‌توان ادعا کرد که با توجه به وجود درگیری‌های فکری بین شیعیان و مخالفانشان در بغداد و تأثیرپذیری حوزه حدیثی بغداد از کوفه، نوعی عقل‌گرایی در قرن دوم و سوم در این حوزه حدیثی پیدا شد. و در قرن چهارم، گرایش‌های بارز عقل‌گرایی و اجتهاد در احادیث فقهی در حوزه بغداد به‌روشنی ظاهر گردید و این رویکرد با تلاش‌های شیخ مفید و سیدمرتضی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، به اوج خود رسید؛ به نحوی که در انتهای قرن چهارم، حوزه حدیثی بغداد کاملاً دارای مشرب عقل‌گرایی شد و در مقابل حوزه حدیث گرای قم قرار گرفت (جباری، ۱۳۸۲: ۵۹).

ج. مکتب حدیثی اصفهان

مکتب جبل عامل، در زمان صفویه به اصفهان منتقل شد. دولت صفویه از علمای جبل عامل برای هجرت به اصفهان دعوت کرد؛ لذا جمعی از بزرگان و فقهای جبل عامل به ایران مهاجرت کردند. برخی فقهای این دوره از این قرارند: محقق کرکی، شیخ بهائی، شیخ حر عاملی، علامه محمدتقی مجلسی، علامه محمدباقر مجلسی، سید محمدباقر داماد و صدرالمتألهین. بعضی ویژگی‌های این دوره عبارتند از: ۱. فقه داخل اجتماع و حکومت سیاسی

شد و فقها مسئولیت اجتماعی و سیاسی پیدا کردند. ۲. دایرة المعارف‌های اسلامی و فقهی تدوین شدند، مانند بحارالانوار، وسائل الشیعه، الوافی. بحارالانوار حدود ۱۱۰ جلد است که نه تنها بزرگ‌ترین، بلکه اولین دایرة المعارف جهان اسلام است و در واقع پیش از آن، هیچ دایرة المعارفی به این وسعت و عظمت نگارش نشده است (کریمی نیا، ۴: ۱۳۸۹).

باتوجه به همین ویژگی‌هاست که علامه در زمان صفویه فرصت فوق العاده‌ای می‌یابد و می‌تواند کتاب‌های مختلف را برای تدوین این دایرة المعارف از مناطق مختلف جمع‌آوری کند؛ چنان که در مصادر علامه آمده است که وی برای یک تاریخ مهدویت از کتاب‌های بسیاری استفاده و روایت‌های گونه‌گون را جمع‌آوری کرده است که در ادامه در مصادر بیان می‌شود.

۲. روش تاریخی (روایی، تحلیلی، ترکیبی)

مورخان در نگارش رویدادهای تاریخی از روش‌های گوناگون بهره برده‌اند. عمده‌ترین روش‌هایی که بیش‌ترین نگارش‌های تاریخی، به‌ویژه در قرون آغازین اسلامی، برپایه آن‌ها سامان یافته؛ عبارتند از: روش‌های «روایی» «نقلی»، «تحلیلی» و «ترکیبی».

الف. روش روایی

در روش روایی، روایات مختلف درباره یک حادثه تاریخی با درج اسناد آورده می‌شود. درواقع اولین خصوصیت این روش آن است که اسناد روایت کامل یا ناقص ذکر می‌شود و ارزش روایات به اسناد آن وابسته است. دومین ویژگی این روش آن است که هر دسته از اخبار درباره واقعه‌ای، بدون توجه به پیوستگی آن با وقایع دیگر ذکر می‌شود (دوری، ۱۹۸۳: ۵۷).

بر این اساس، می‌توان روش شیخ صدوق و علامه مجلسی را به روش روایی شبیه دانست؛ هرچند هر دو نفر در ذیل برخی روایات نکاتی را ذکر کرده‌اند؛ مانند این‌که شیخ صدوق در برخی موارد رجال روایات خود را جرح و تعدیل می‌کند. به عنوان مثال: در نقد روایتی که با اعتقادات امامیه سازگاری ندارد، یکی از رجال سند به نام «احمدبن هلال» را مورد جرح قرار می‌دهد و می‌گوید او نزد مشایخ ما مجروح است؛ و یا در مورد بحث غیبت

مواردی را ذکر کرده‌اند؛ که شیخ صدوق با «قال مصنف هذا الكتاب» مواردی را تذکر می‌دهند. علامه مجلسی در تاریخ مهدویت خود در کتاب بحار الانوار از روش روایی استفاده کرده است؛ لیکن علامه صرفاً به روایت نپرداخته و ذیل روایات با اقوالی چون بیان، توضیح، اقول و تذییل (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۳۰: ۲۰؛ ج ۲۱۰: ۶۸-۳۳۷ و...); تحلیل و نظر خود را عنوان می‌کند که این تحلیل خیلی اوقات، راهگشای مسائل تاریخی می‌باشد و یا موانع فهم حدیث را برطرف می‌کند و همچنین مواردی که فهم الفاظ مشکل حدیث، تعارض حدیث، تقیه را باعث می‌شود (همان، ج ۲۱: ۸۷-۲۲۳); تذکر می‌دهد.

ب. روش ترکیبی

مراد از «روش ترکیبی» آن است که مورخ به جای ذکر روایات مختلف، از راه مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان آن‌ها واقعه مذکور را طی یک روایت توضیح دهد. در حقیقت روش ترکیبی به دوره تالیف تاریخی مربوط است. البته در روش ترکیبی، مورخ باید بر مسائل تاریخی احاطه داشته باشد تا بتواند از ترکیب روایات به حقیقت و واقعیت نزدیک گردد و این باعث می‌شود تا بعضی روایات حذف گردند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳: ۱۳).

ج. روش تحلیلی

در این روش مورخ در کنار نقل روایات غالباً ترکیبی، به تحلیل، و بررسی علل و نتایج آن می‌پردازد. به نظر می‌رسد روش شیخ مفید در تاریخ نگاری به این تعریف نزدیک باشد. شیخ مفید روایات مورد نظر خویش را برگزیده، پس از حذف اسناد در بیش تر موارد و یکدست و پیوسته کردن آن‌ها که لازمه روش ترکیبی است؛ تاریخ نوینی از تاریخ مهدویت بیان کرده است؛ ضمن آن که در قالب اندیشه خویش در برخی موارد به دستیابی به علل و عوامل رویدادهای تاریخی و سپس بررسی و بیان آن پرداخته است (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۱۱۷).

۳. بررسی هویت متن و اعتبار مضامین

آگاهی از روش هر مورخ در بررسی هویت متن موثر است. اگر بخواهیم اعتبار متن را بررسی کنیم، باید به متن نگاه نقد گونه داشته باشیم. لذا با دو سوال اساسی مواجه می‌شویم:

۱. این متن چیست؟ (هویت متن) آیا اصلاً این متن از فلان شخص است؛ ۲. مضامین این متن چه قدر درست است؟ (اعتبار مضامین).

هویت متن سه کتاب کمال الدین و الارشاد و بحار علامه آشکار است و مشخص است که بی‌تردید هر کدام از این کتاب‌ها به مولف خود منتسب هستند. آنچه جای بحث است، اعتبار مضامین آن‌ها است که به چه شکل و چگونه می‌باشد. در ذیل با توجه به روش روایی دو مولف علامه مجلسی و شیخ صدوق، می‌توان «امکان سنجش روایت» و «تمییز دقیق میان متن روایت‌ها» را دو ویژگی حائز اهمیت نوشته‌هایشان برشمرد.

الف. امکان سنجش روایت: علامه مجلسی و شیخ صدوق با عاریه گرفتن روش محدثین در تاریخ، به نحوی امکان نقد بیرونی را فراهم و سلسله سند ارائه می‌کند؛ که این خود مجالی برای شناخت اعتبار مضامین ایجاد می‌کند (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۲۸).

ب. تمییز دقیق میان متن روایت‌ها: شیخ صدوق و علامه مجلسی وقتی یک واقعه را از منابع مختلف نقل می‌کنند، روایت‌های مختلف را با هم مخلوط نمی‌کنند؛ یعنی هر واقعه و داستانی را از واقعه دیگر مجزاً نقل می‌کنند و نظر شخصی خود را در روایت‌ها وارد نمی‌کنند؛ لذا امکان ارزیابی و بررسی متن روایت وجود دارد.

هرچند این دو ویژگی برای شناخت احادیث راهی پیش‌رو می‌گذارد؛ تکیه هر دو به سند است؛ درحالی که بررسی سندی احادیث به تنهایی کافی نیست و لازم است ملاک‌های متنی یا نقد تحلیلی نیز با این شیوه صورت بگیرد.

به بیان ابوریه، عالمانی که به حدیث ژرف می‌نگرند، از ورای نقد اسناد، نقد دیگری مشهور به «نقد تحلیلی» هم دارند که شامل متن، روایات، معانی، لغت، احکام عقل و شرع و موضوع تعارض اخبار و آثار است. از همین روی، بر بسیاری از احادیث، ولو با سند صحیح، خدشه وارد کرده‌اند و چه بسا حدیث‌هایی که در اسناد آن به جز راویان موثق و مطمئن وجود نداشته نباشند، در عین حال خود حدیث، واهی و معلول باشد. بنابراین، احراز صحت حدیث تنها به واسطه بررسی راویان امکان پذیر نیست (ابوریه، ۱۴۱۳: ۴۱۴).

در واقع، با وجود موضوعاتی مانند نقل به معنا در حدیث، اخبار جعلی، اسرائیلیات یا آرا و

افکار تحریف شده اهل کتاب و سیاست حاکمان در مواجهه با اخبار معصومان، نقد تحلیلی ضروری می‌نماید. از جمله کسانی که نقد تحلیلی به کار برده است، می‌توان شیخ مفید را عنوان کرد. هرچند شیخ صدوق و علامه مجلسی با روش روایی به نقل سند می‌پردازند؛ در جای خود، آن‌ها نیز از تحریف و جعلی بودن و مواردی چون تقیه خبر داده و نکاتی بیان کرده‌اند که در وجوه اشتراکات در همین مقاله بیان می‌گردد.

۴. منابع و اعتبارسنجی مصادر حدیثی

برای شناخت احادیث مهدویت، باید از منابعی بهره برد که به آن زمان نزدیک هستند. در واقع، در مطالعات تاریخی هرچه منبع مورد استفاده به زمان وقوع حوادث نزدیک‌تر باشد، اتقان و صحت بیش‌تری دارد. هدف نگارش، شهرت و مقبولیت کتاب همه از معیارهایی است که اعتبارسنجی یک کتاب و مصدر حدیثی را برای ما مشخص می‌کند؛ معیارهایی چون شخصیت علمی مولف، تخصصش در تالیف آن موضوع، ویژگی‌های شخصیتی چون دقت، ضبط و منطقی بودن. در ذیل گذری بر منابع سه کتاب داریم:

الف. منابع شیخ صدوق

ابن بابویه در کتاب خود از منابع متعددی استفاده کرده است که برخی از این منابع عبارتند از: «سیره ابن اسحاق به روایت یونس»، «المبتدأ والمبعث والمغازی و الوفاه و السقیفه و الرده»، تالیف ابان بن عثمان احمر بجلی (متوفای ۱۷۰ق)، «التنبیه فی الامامه»، تالیف ابوسهل اسماعیل بن علی بن اسحاق نوبختی (متوفای ۳۱۱ق)، کتاب سلیم بن قیس هلالی و «المعمرون و الوصایا»، نوشته ابوحاتم سجستانی (متوفای ۲۵۰ق).

استفاده از منابع در کتاب کمال الدین، حدود ۱۵ درصد حجم کتاب را به خود اختصاص داده و مابقی کتاب، از منابع مشافهه‌ای است که شیخ صدوق از مشایخ خود دریافت کرده است. این کتاب دارای ۶۲۱ روایت است که ۸۸ راوی نقل شده و بیش‌ترین روایات از ۱۲ راوی می‌باشد. از مجموع این راوی‌ها، پنج راوی از نقش بسیار مهم‌تری برخوردار هستند که ۵۵ درصد روایات از آن‌ها نقل شده است و اینان عبارتند از: علی بن بابویه، محمدبن ولید

قمی، مظفر علوی عمری سمرقندی، محمدبن متوکل و ابوالعباس بن اسحاق طالقانی. این راویان از افراد نسبتاً شناخته شده و مورد اعتماد شیخ صدوق بوده‌اند. مثلاً علی بن بابویه که پدر شیخ صدوق و محمدبن ولید قمی که استاد شیخ صدوق می‌باشد؛ هر دو شیخ قمیین، فقیه و از افراد مورد اعتماد و از کسانی هستند که بیش‌ترین روایات از آن‌ها نقل شده است. در واقع می‌توان گفت پیکره اصلی کتاب را روایات این دو فرد تشکیل داده است، چرا که ۲۳۷ روایت از ۶۲۱ روایت از این دو نفر نقل شده که در مجموع ۳۸ درصد تعداد احادیث را به خود اختصاص داده است (آزادی، ۱۳۹۱: ۱۶۱).

می‌توان گفت اکثر روایات کمال الدین قابل اعتماد هستند؛ هرچند برای اطمینان قطعی باید روایات را یک به یک مورد بررسی قرار داد.

ب. منابع شیخ مفید

شیخ مفید در دوره‌ای بوده که رشد و تکامل علوم اسلامی در اوج پیشرفت و منابع دست اول موجود بوده است؛ لذا توانسته به منظور هر چه پربرتر شدن نوشته‌های تاریخی خویش از منابع بهره جوید. از این رو برخی معتقدند که ایشان در نقل حوادث تاریخی از یک یا چند منبع مشخص، یا از یک طریق، یا شکل معینی بهره نگرفته است.

وی گاهی از برخی منابع یاد کرده است؛ اما چگونگی استفاده و حتی در برخی موارد، مقدار استفاده ایشان کاملاً مشخص نیست.^۱ گاهی اوقات فقط به ذکر نام برخی از مشایخ و راویانی می‌پردازد که از آن‌ها مطالب و گزارش‌های تاریخی خود را گرفته است. این نکته کمکی نمی‌کند تا بتوان منابع مربوط به آن موضوع را دقیقاً شناخت؛ زیرا در این موارد، مشخص نیست که ایشان از کتاب آنان استفاده کرده یا نه و یا از کدام یک استفاده کرده است و چه بسا از کتاب کسانی دیگر که از آنان روایت نقل کرده، استفاده کرده باشد (خانجانی، ۱۳۹۲: ۶).



۱. مانند کتاب الغیبه نعمانی که اسم کتاب را بیان داشته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۰۹).

ج. منابع علامه مجلسی

علامه مجلسی از عالمانی است که سعی کرده است از منابع کهن بهره برده و به جمع آوری آن‌ها مشغول گردد. فراوانی منابع و تنوع موضوعی که علامه از آن بهره برده است، باعث جامعیت کتاب وی گردیده است. به نقل از علامه شعرانی:

مؤلف بحارالانوار به دستیابی بر گنج‌های علمی موفق شد که معمولا برای شخص دیگری میسر نمی‌شود؛ زیرا کتاب‌های علمای قدیم و نسخه‌های خطی که بسیار کمیاب هستند و در هر زمان و هر شهری یافت نمی‌شوند، نزد او گرد آمدند. علامه مجلسی نیز فرصت را غنیمت دانسته و همه این آثار را در این کتاب گردآوری کرده تا پراکنده و نابود نگردند (مجلسی، ۱۴۰۳، مقدمه: ۵۳).

اقدام وی در زمینه منعکس کردن آثار فراوان در بحارالانوار موجب شد که محتوای تعدادی از آثار، صرفا از رهگذر کتاب او به دست آیندگان برسد.

علامه در مقدمه کتاب بحارالانوار برخی از منابع و کتاب‌هایی را که از آن استفاده کرده است، ذکر و چنین بیان می‌کند: «هرگاه از کتاب‌هایی غیر از آن چه ذکر شده چیزی نقل کنم، نام آن را در جای خود ذکر می‌کنم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۴). وی در مقدمه کتاب بحارالانوار بحثی با عنوان «توثیق المصادر» دارد و تمامی منابع حدیثی این کتاب را نام برده و میزان اعتماد خود را به این کتاب تبیین کرده است. علامه مجلسی برای نوشتن تاریخ الحجه در کتاب بحارالانوار از کتاب‌های مختلف روایی، تفسیری، تاریخی، رجالی در بحار استفاده کرده است. علامه از ۵۱ منبع روایی استفاده کرده که از کتاب کمال الدین و تمام النعمه (۳۲۴ روایت)، الغیبه نعمانی (۳۲۱ روایت)، الغیبه طوسی (۳۲۰ روایت)، مختصر بصائر الدرجات (۸۴ روایت)، الکافی (۷۷ روایت) بیش‌ترین استفاده را برده است. علامه از کتاب‌های تفسیر، هم از کتاب‌های شیعه و هم از کتاب‌های اهل سنت بهره برده است. علامه برای تبیین احادیث از کتاب‌های فهرست نگاری و رجالی هم بهره برده است؛ داستان‌ها و روایت‌ها، نکاتی که برای شناخت کتاب‌ها و اشخاص رهگشا می‌باشد (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۵۱: ۳۰۷ و ج ۵۱: ۶۰۸).

علامه مجلسی فقط به منابع شیعی تکیه نکرده و از منابع سنی هم استفاده کرده است و



علل نقل از آن‌ها را نیز عنوان کرده است. وی در این زمینه می‌نویسد:

ماگاه به کتاب‌های مخالفین خود (اهل سنت) نیز برای تصحیح الفاظ خبر و بیان معانی آن‌ها مراجعه می‌کنیم؛ مانند کتاب‌های لغت از قبیل صحاح جوهری، قاموس فیروزآبادی، نه‌ایه جزری، الفائق و مستقصی الامثال زمخشری (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۲۲-۲۳).

علامه مجلسی در هر دسته از مصادر روایی، تاریخی، تفسیری، رجالی و ادبی سعی کرده از منابعی که دارای بالاترین اعتبار است، استفاده کند؛ کتبی که از جهت قدمت به قرن‌های اولیه متعلق است و هم از منظر اعتبار شخصیت علمی مولفان، نویسندگان این کتاب‌ها شخصیت‌های ویژه علمی هستند. وی از برخی کتاب‌ها که آن‌ها را اشتمال بر اشتباهات و آمیختگی می‌داند؛ کم‌تر نقل می‌کند. در بحث روایی از سه کتاب الغیبه طوسی، الغیبه نعمانی و کمال الدین شیخ صدوق بهره برده است که هر سه مولف از عالمان بزرگ شیعه و کتاب‌هایشان نیز مشهور می‌باشند و از اعتبار بالایی برخوردارند و در رجال و تفسیر و ادب و تاریخ هم از کتاب‌های معتبر بهره برده است. علامه مجلسی از برخی کتاب‌ها روایت فراوانی نقل کرده و علت آن را نیز در مقدمه بیان داشته است؛ مانند کتاب مشارق الانوار، تالیف حافظ رجب برسی. علامه مجلسی درباره این کتاب می‌فرماید:

من به خاطر اشتمال برخی اشتباهات و آمیختگی‌ها، بر روایاتی که او در نقل آن‌ها منفرد است اعتماد نمی‌کنم... بلکه صرفاً از آن‌ها اخباری را برمی‌گزینم که از اصول معتبر اخذ شده‌اند (همان: ۱۴).

ایشان از کتاب «سلیم بن قیس» در تاریخ الحجه یک روایت بیش‌تر بیان نکرده است. شیخ مفید درباره کتاب «سلیم بن قیس» می‌فرماید: «اصل این کتاب ثابت است؛ ولی دچار دستبرد شده و شایسته اعتماد نیست».

۵. تحلیل مصادر و اعتبار سنجی سه کتاب

در بحث اعتبار سنجی سه کتاب، آنچه حائز اهمیت است، این که مولف و کتاب‌ها همه معتبر و مورد وثوق باشند و هر چه منبع مورد استفاده به زمان وقوع حوادث نزدیک‌تر باشد، از

اتقان و درستی بیش‌تری برخوردار است. بسیاری از منابع به مرور زمان از میان رفته است و امروزه در دسترس ما نیست. از این رو، ناگزیر باید از آثاری استفاده کرد که از آن منابع بهره برده‌اند.

دو مولف کتاب کمال الدین و تمام النعمه و الارشاد، به ترتیب شیخ صدوق و شیخ مفید به زمان ائمه نزدیک‌تر هستند و این دو مؤلف از منابع کهن استفاده کرده‌اند. به دلیل بیان روایت‌های ترکیبی منابع مورد استفاده شیخ مفید، این منابع را به طور دقیق نمی‌توان بازشناسی کرده و منابع شیخ صدوق هم در حدود ۱۵ درصد حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است و مابقی کتاب، از منابع مشافهه‌ای بوده که شیخ صدوق از مشایخ خود دریافت کرده است. لیکن علامه مجلسی با این که به قرن یازدهم متعلق می‌باشد؛ تاریخ الحجة ایشان دارای چند حسن می‌باشد:

۱. ایشان در مقدمه، تمام منابعی را که از آن‌ها استفاده کرده، بیان کرده است و اگر جایی در مقدمه نام کتاب را عنوان نکرده در متن کتاب ذکر کرده است.
۲. وی در مقدمه بحثی دارد به عنوان «توثیق المصادر» که به اعتبار سنجی کتاب‌ها می‌پردازد و در آن اطلاعات کتاب شناسی و رجالی ارزشمندی ارائه می‌کند. وی در صحت انتساب این کتاب‌ها به مولفان آن‌ها بحث کرده و میزان اعتماد خود را بر نسخه‌های فراهم شده از آن آثار و چگونگی نقل مطلب از آن‌ها بیان کرده است.
۳. ذکر منابع توسط مولف، شناسایی متن را ممکن می‌سازد؛ لذا علامه مجلسی در تاریخ‌الحجة بیش‌ترین روایت خود را از کتاب‌های معتبری چون کتاب کمال الدین و تمام النعمه (۳۲۴ روایت)، الغیبه نعمانی (۳۲۱ روایت)، الغیبه طوسی (۳۲۰ روایت)، مختصر بصائر الدرجات (۸۴ روایت)، الکافی (۷۷ روایت)، الارشاد (۵۷ روایت) نقل کرده است و از کتاب‌هایی مانند کتاب سلیم که نسبت به آن تردیدهایی وجود دارد، یک روایت بیش‌تر عنوان نکرده است.

وجوه اشتراک روش تاریخی

۱. نزدیکی هدف مولفین

همه مولفان به صورت یکسان به ارائه گزارش‌های تاریخی و بررسی آن‌ها نمی‌پردازند. در این زمینه عوامل متعددی تاثیر گذارند و نوع نگاه مورخ را تعیین می‌کنند. در حقیقت تفاوت نگاه مورخان و مولفان در این موضوع از تفاوت انگیزه‌ها، اهداف، روش‌ها و در برخی موارد منابع مورد استفاده مولفان نشأت می‌گیرد. سؤال محتمل در این زمینه، این است که شیخ صدوق و شیخ مفید و علامه مجلسی چه هدفی از جمع‌آوری احادیث مهدویت داشته‌اند؟ برای پاسخ به سوال مذکور سعی شده انگیزه و هدف اینان را به طور جداگانه ذکر کرد که البته در مقدمه کتاب خود این مهم را بیان کرده‌اند.

الف. انگیزه علامه مجلسی

علامه مجلسی در مقدمه کتاب بحارالانوار چنین بیان می‌کند:

از هر چشمه‌ای شربتی نوشیدم... چون نیک اندیشیدم، فهمیدم باید دانش را از چشمه صافی بجویم که سرچشمه آن وحی و الهام است: یک رشته آن قرآن مجید و دیگری آثار اهل بیت علیهم‌السلام است. لذا در اخبار آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فحص و بحث پرداختم و اخبار آنان را کشتی نجات امت یافتم (مجلسی، ۱۴۲۱، ج: ۱، ص: ۳).

ب. انگیزه شیخ صدوق

انگیزه شیخ صدوق را می‌توان در سه نکته بیان کرد: ۱. مواجهه شیخ صدوق با شبهات متعدد مردم نیشابور درباره امام زمان علیه‌السلام، طول عمر و غیبت ایشان؛ ۲. پرسش‌های یک فیلسوف شیعی به نام شیخ نجم‌الدین قمی در مسئله غیبت و طولانی شدن آن و انقطاع اخبار که سبب تحیرش شده بود که پاسخ‌های شیخ صدوق او را قانع می‌سازد؛ ۳. شیخ صدوق در مدت اقامتش در نیشابور شبی در رویا امام عصر علیه‌السلام را می‌بیند که به وی می‌فرماید: چرا درباره غیبت کتابی تالیف نمی‌کنی تا اندوهت را زایل سازد؟ شیخ صدوق عرض می‌کند: یابن رسول الله! درباره غیبت پیش‌تر، رساله‌هایی تالیف کرده‌ام. امام عصر علیه‌السلام

در پاسخ وی شاکله کتاب جدید و مستقلى را براى غيبت ترسيم مى‌کنند که همان کتاب جاودان «کمال الدين و تمام النعمة» است.

ج. انگیزه شیخ مفید

شیخ مفید، این کتاب را به درخواست یکی از شیعیان نگاشته است. وی در آغاز کتاب مى‌نویسد:

من بنا به درخواست شما در این کتاب نام ائمه هدا عليهم السلام و تاریخ زندگانی آنها و محل قبر و حرم آنها بزرگواران را آورده‌ام. همچنین به بخشی از روایات، درباره شان و مقام آنها امامان معصوم نیز اشاره دارم تا عقیده شما به دین از روی آگاهی و شناخت باشد (مفید الف، ۱۴۱۳: مقدمه).

تحلیل و بررسی

آنچه در هدف و انگیزه بین سه مولفان این کتاب به نظر یکسان می‌آید، دو نکته است: ۱. اعتقاد به تشیع و دوازده امام و دفاع از حریم اهل بیت عليهم السلام؛ ۲. ذکر روایت‌هایی در مورد اهل بیت و جلوگیری از بین رفتن آثار شیعی.

۲. مرجعیت قرآن در فهم حدیث

«قرآن» معیار اصلی سنجش محتوای احادیث و مهم‌ترین مأخذ و مرجع مورد استفاده در دستیابی به فهم صحیح از روایات است. سه مولف، از آیات قرآن در موارد متعددی برای رسیدن به فهم صحیح از حدیث استفاده کرده و در بسیاری از موارد، آیات قرآن را شاخص فهم حدیث شناسانده‌اند. برای نمونه شیخ صدوق در باب این که اطاعت ائمه واجب است، چنین بیان می‌کند:

ائمه حجت‌های خداوند بر خلق هستند. اطاعت از ائمه واجب است و دلیل آن قول خدای سبحان است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ و نیز این سخن خدای تعالی است: «وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ»؛ و اگر آن را به رسول خدا و به اولی الامر ارجاع می‌دادند، اهل پی‌جویی و استنباط آن را می‌فهمیدند؛ و اولی الامر همان اوصیا و

ائمه پس از پیامبرند و خداوند اطاعت از آنها را قرین اطاعت رسولش ساخته و طاعت از آنها را نیز بر بندگان لازم کرده است؛ چنان که اطاعت از رسول را بر بندگان واجب ساخته و آن را در ردیف اطاعت از خود عنوان کرده است (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۱: ۴۹).

در جای دیگر شیخ صدوق در تایید گفته خود آیاتی را ذکر می‌کند. به نظر وی، علت نیاز عالم به امام برای بقای خود این است که خدای تعالی هیچ قومی را عذاب نکرد، مگر آن که به پیامبرشان دستور داد که از میان آنها بیرون برود (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۰۹). وی در تصدیق گفتار خود به آیاتی اشاره دارد: «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ»؛ تا آن گاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد، فرمودیم:

در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت، با کسانت؛ مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است و کسانی که ایمان آورده‌اند، حمل کن و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند. «قَالُوا يَا لَوْطُ إِنَّا رَسُولُ رَبِّكَ لَنْ يَصْلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرَبَ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا تَكُ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ» (هود: ۸۱)؛ گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگار تویم. آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت. پس، پاسی از شب گذشته خانواده‌ات را حرکت ده و هیچ کس از شما نباید واپس بنگرد! مگر زنت که آنچه به ایشان رسد به او [نیز] خواهد رسید. بی‌گمان، وعده‌گاه آنان صبح است. مگر صبح نزدیک نیست؟ «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...» (انفال: ۳۳) و [لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب‌کننده ایشان نخواهد بود (زرسازان، ۱۳۹۲: ۱۷).

شیخ مفید نیز در شرح و تبیین معنای حدیث به معارف قرآن تمسک می‌جوید. برای نمونه بیان می‌کند: زمانی که قائم قیام کند، ستمگری به کلی نابود می‌گردد و راه‌ها امن می‌شود و زمین برکات خود را ابراز می‌دارد و هر حقی به صاحبش برمی‌گردد و تمام متدینین عالم به

۱. موارد دیگر: (ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه: ۱۸۶، ۱۹۲ و ۲۳۲).

دین اسلام می‌گروند و به ایمان به خدا اعتراف می‌کنند چنان که حق تعالی فرموده است: ﴿وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ﴾؛ تمام موجودات آسمانی و زمینی، خواه ناخواه مسلمان می‌شوند و شما هم به او بازگشت می‌کنید؛ و در میان مردم حکومت داوودی و محمدی را رواج می‌دهد. به ظاهر و باطن حکومت می‌کند و در ادامه می‌فرماید: سلطنت ما آخرین سلطنت است... ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (مفید، ۱۴۱۳: ۴۱۹ و ۴۲۳).

علامه مجلسی نیز بر مبنای این حدیث: «از پیغمبر ﷺ پرسیدند: آیا شیعه از وجود قائم در مدت غیبتش، بهره‌مند می‌شود؟ حضرت فرمود: آری، به خداوندی که مرا به پیغمبری مبعوث گردانیده است؛ آن‌ها از وجود او منتفع می‌شوند و از نور ولایتش در طول غیبت استفاده می‌کنند؛ چنان که از آفتاب پشت ابر استفاده می‌برند»؛ علامه در توضیح روایت مذکور به آیه ۳۳ سوره انفال استناد می‌کند و می‌فرماید: «اگر آن‌ها نبودند مردم به وسیله اعمال زشت مستحق انواع عذاب الهی بودند؛ چنان که خداوند فرموده است: ﴿وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ...﴾» (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۳۴۴).

علامه حدود ۶۶ آیه از قرآن را که روایت‌های مختلف تأویل آن را امام زمان ﷺ دانسته‌اند، از کتاب‌های مختلف تفسیری در باب پنجم از تاریخ الحجه بیان کرده که نمونه‌ای از آن عبارت است از: از کتاب تفسیر قمی در ذیل آیه هشتم سوره هود ﴿وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ...﴾ آمده است: منظور از «امه معدوده» اصحاب قائم آل محمد ﷺ است که سیصد و سیزده نفر هستند (مجلسی، ۱۴۲۱: ج ۵۱: ۴۴).

۳. پایبند بودن به عقل و به کارگیری آن در شرح احادیث (عقل باوری یا عقل محوری)

عقل باوری

«عقل» دلیل و حجت باطنی انسان معرفی شده است؛ هرچند عقل در نگاه همگان و به‌ویژه از منظر عالمان دینی از جایگاه یکسانی برخوردار نبوده است؛ بین این مولفان در این سه کتاب موارد عقلی و کلامی دیده می‌شود؛ یعنی هر سه مولف، بخشی از تاریخ مهدویت را

با نگاه عقلی جست‌وجو کرده‌اند.

شیخ صدوق که از مکتب حدیثی قم است؛ هرچند ویژگی این مکتب را نص‌گرایی می‌داند و شیخ صدوق به اخبار و آثار متکی و پایبند بوده؛ این بدان معنا نیست که اصلاً به دلیل عقلی و کلامی نپرداخته باشد؛ بلکه کتاب کمال‌الدین ایشان چندان هم از مباحث عقلی و کلامی بی‌بهره نیست و برای اثبات امام از طریق مباحث کلامی و روایات به پاسخ منکران و فرقه‌های مختلف پرداخته است؛ مباحثی چون وجوب اطاعت از خلیفه، وجوب عصمت امام و وجوب شناخت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه (صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱: ۹-۱۷).

بحارالانوار نیز که دایرة المعارف علوم نقلی شیعه است، از مسائل عقلی بیگانه نیست (نورالدین، ۱۳۸۸: ۲۵۳). علامه مجلسی در آثار خود بر نقل به تنهایی اکتفا نکرده و ادله عقلی را نیز بیان و برای عقل شش معنی ذکر کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۹۹). علامه مجلسی معتقد است که عقل باید در ذیل وحی حرکت کند و غیر از مباحث اولیه که عقل مستقل عمل می‌کند؛ در مابقی موارد، عقل باید در کنار وحی و در ذیل نور وحی حرکت کرده و به فهم و تبیین آن پردازد. علامه در جلد هفتم بحارالانوار برخی از مبانی شیعه در اعتقاد به ائمه عجل‌الله تعالی فرجه‌ه از جمله ضرورت احتیاج به امام، تعیین امام از طریق نص لزوم شناخت امام و نیز وجوب اطاعت امام را اثبات می‌کند.

ایشان برای اثبات وجود امام زمان و طولانی بودن عمر ایشان، از کتاب کشف الغممه اربلی، ادله عقلی، علاوه بر ادله نقلی عنوان کرده است: «پاسخ کسی که از راه طول زمان غیبت، منکر مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌ه شده است به دو گونه است: نقلی و عقلی.....» (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۲۱: ۷۷).

شیخ مفید نیز در معرفت آدمی و در برداشت از آثار و اخبار و گزینش آن‌ها، نقش بسیار زیادی برای عقل در نظر گرفته است.

ایشان در استفاده از عقل تا آن‌جا پیش می‌رود که در دوران غیبت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌ه که مسلمانان به امام معصوم دسترسی ندارند، در صورت نبودن نص شرعی، حکم عقل را قابل استناد می‌داند؛ چنان‌که در حل اختلاف دعاوی، داوری عقل را نافذ و موثر می‌شمارد و در

اصل اثبات امامت نیز عقل را دلیل می‌داند (خانجانی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

۴. اختلاف و تعارض (توجه به تقیه)

اختلاف اخبار و تعارض به تنافی و ناسازگاری در مفاد و مدلول خبرها و روایات اطلاق می‌شود که خود اسباب و عوامل متعددی دارد (دلبری، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۰). اگر در سخنان معصومین علیهم‌السلام تناقضی توهم شود، از باب علل مختلف می‌باشد، چنان‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند: بدانید که سخن شاخه‌ها و حالت‌های گوناگونی دارد، ... و کلام تحت تأثیر حالت‌های گوناگون است (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). لذا اختلاف و تعارض از دانش‌های مهم حدیثی است که شناخت آن برای عالمان و دانشوران ضروری می‌نماید.

از جمله عوامل پیدایش تعارض در روایات وجود شرایط «تقیه» است. واژه تقیه از ماده «و - ق - ی» مصدر یا اسم مصدر به معنای پرهیز، نگاهداری و پنهان کردن است. مفسران، متکلمان و فقهیان، از این واژه تعاریفی اصطلاحی کمابیش نزدیکی بیان کرده‌اند. شیخ مفید تقیه را به معنای پنهان کردن حق و اظهار نکردن اعتقاد به آن در برابر مخالفان، برای پرهیز از زیان دینی یا دنیوی معنا کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۷).

شیخ صدوق، شیخ مفید و علامه مجلسی هر سه به تقیه اعتقاد دارند و این نکته در نوشته هایشان آشکار است که البته شاید در تعریف‌های آن‌ها تفاوت‌هایی دیده شود. در ادامه برای هر مولف یک مثال مطرح می‌کنیم:

کسی در باب تقیه سوالات گوناگونی مطرح می‌کند؛ از جمله این‌که چرا امام شما از شاگردان و مسترشدین خود نهان است؟ اگر می‌گویند برای حفظ جان خود است؛ می‌گوییم بر مسترشدین هم رواست که در طلب او تقیه کنند، علی‌الخصوص که مسترشد در خوف و رجا باشد؛ شیخ صدوق به این سؤال، چنین پاسخ می‌دهد: امام از مسترشدین خود نهان نشده است، بلکه او برای حفظ جان خود از ستم ستمگران نهان شده است. اما این سخن او که اگر تقیه بر امام روا باشد بر ماموم رواتر خواهد بود، به او می‌گوییم: اگر مقصود تو این است که بر ماموم رواست که اگر بر جان خود بهراسد از ستمکار تقیه کند و از او بگریزد؛ همچنان که بر امام رواست سوگند که چنین امری جایز است و اگر مقصود تو این است که مأموم می‌تواند به

دلیل تقيه امام به امامت او معتقد نباشد در صورتی که اخبار امامت امام را شنیده و قطع عذرش شده باشد، چنین امری جایز نیست زیرا خبر صحیح مانند مشاهده است و در امور قلبی تقيه معنا ندارد و جز خدا کسی نمی‌داند که در درون قلب‌ها چه می‌گذرد؟... (صدوق: ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۲۱).

روایتی در کتاب الارشاد آمده است: «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ لَمَّا مَاتَ أَبِي وَصَارَ الْأَمْرُ إِلَيَّ كَانَ لِأَبِي عَلَى النَّاسِ سَفَاتِحٌ مِنْ مَالِ الْغَرِيمِ» شیخ مفید ذیل این روایت فرموده است: مراد از «غریم» حضرت امام زمان است و از مدت‌ها پیش همین کلمه را شیعه به عنوان رمز برای تقيه به کار می‌برده است.

علامه مجلسی در شرح روایت ذیل واژه «حتی یلحن» را از باب تقيه می‌داند: امام عليه السلام می‌فرماید:

قَالَ إِنَّا وَاللَّهِ لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شِيعَتِنَا فَحَيْهَا حَتَّى يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ؛ حَتَّى يُلْحَنَ...؛ با رمز و ایما و تعریض از جهت تقيه و مصلحت سخن گفته شود و شیعیان ما این نکته را می‌دانند (مجلسی، ۱۴۲۱، ج ۸۷: ۲۱).

نمونه دیگر روایتی است که خود ائمه ما را به تقيه امر می‌کنند:

كُونُوا كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الطَّيْرِ...؛ مانند زنبور عسل میان پرندگان یعنی آنچه از دین حق در دل خود دارید، برای دشمنان ظاهر نگردانید که شما را می‌کشند؛ چنان که زنبور عسل آنچه در شکم دارد، برای پرندگان آشکار نمی‌سازد و گرنه او را نابود خواهند ساخت (همان: ۲۲۳).

نتیجه گیری

۱. سه کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» (شیخ صدوق)؛ کتاب الارشاد «شیخ مفید» و «تاریخ الحجه» علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار درباره تاریخ مهدویت است. از جمله وجوه اشتراک سه مولف، می‌توان موارد زیر را برشمرد: همسویی و همسانی هدف و انگیزه؛ قرآن را معیار اصلی سنجش محتوای احادیث قرار دادن؛ اهتمام در به کارگیری موارد عقلی و کلامی و نیز به حالت‌های گوناگون کلام معصومین و مواردی چون تقيه.

۲. از جمله وجوه افتراق سه مولف، مکاتب حدیثی گوناگون است (مکتب حدیثی مختلف قم، بغداد و اصفهان) با دیدگاه‌ها و اندیشه‌های مختلف و روش‌های متفاوت روایی و تحلیلی. روش علامه مجلسی و شیخ صدوق را می‌توان «روش روایی» دانست و روش شیخ مفید را به سبب حذف اسناد و یکدست و پیوسته کردن روایات و در برخی موارد پرداختن به علل و عوامل رویدادهای تاریخی «روش تحلیلی» می‌توان عنوان کرد.

۳. هرچند شیوه علامه مجلسی و شیخ صدوق روایی است؛ این دو مولف فقط به نقل روایت نپرداخته‌اند؛ چنان‌که علامه ذیل روایت با اقوالی چون «بیان، اقول و توضیح» و شیخ صدوق با «قال مصنف هذا الكتاب» تحلیل و دیدگاه خود را عنوان می‌کنند که این دیدگاه‌ها خیلی اوقات راهگشای مسائل تاریخی است، یا موانع حدیث را برطرف می‌کند.

۴. هر سه مولف در استفاده از منابع خود سعی کرده‌اند از منابعی که اتقان و صحت بیش‌تری دارند و از نظر مولف معتبر و مشهور و مورد اعتماد باشند، بهره ببرند. شیخ صدوق و شیخ مفید به زمان ائمه نزدیک‌تر هستند و از منابع کهن استفاده کرده‌اند؛ لیکن منابع مورد استفاده شیخ مفید را به دلیل بیان روایت‌های ترکیبی از سوی ایشان به طور دقیق نمی‌توان بازشناسی کرد و منابع شیخ صدوق نیز حدود ۱۵ درصد حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است و مابقی کتاب، از منابع مشافهه‌ای است. لیکن علامه مجلسی به قرن یازدهم هجری متعلق است و تمامی منابعی که از آن استفاده کرده، بیان کرده است و به راحتی می‌توان تعداد روایت‌های مورد استفاده از یک کتاب را برشمرد که این، امکان شناسایی متن را به ما می‌دهد.

منابع

قرآن کریم

۱. آزادی، پرویز (۱۳۹۰). بررسی جایگاه اهمیت و اعتبارسنجی کتاب کمال الدین و تمام النعمه، مطالعات قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره دوم، مشهد.
۲. آقا بزرگ تهرانی (۱۹۸۵م). طبقات اعلام الشيعة، بیروت، بی‌نا.
۳. ابن قلانسی، حمزة بن اسد (۱۹۸۳م). محقق: زکار، سهیل، دمشق، دارحسان.
۴. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱). تقدمتن، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۵. جباری، محمدرضا (پاییز و زمستان ۱۳۷۹). شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری، مطالعات اسلامی، شماره ۴۹-۵۰.
۶. ————— (پاییز و زمستان ۱۳۸۲). نگاهی به مکاتب حدیثی شیعه در سده‌های اولیه، مجله شیعه شناسی، سال اول، شماره ۳-۴.
۷. حلی، محمد بن یوسف (بی تا). خلاصة الاقوال، قم، نشر رضی.
۸. خانجانی، قاسم (۱۳۹۲). شیخ مفید و تاریخ نگاری، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. دلبری، علی (۱۳۸۶). مبانی رفع تعارض اخبار، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۰. دوری، عبدالعزیز (۱۹۸۳م). بحث فی نشاه علم التاریخ عند العرب، بیروت، دارالمشرق.
۱۱. زرسازان، عاطفه (۱۲۹۲). روش شیخ صدوق در کمال الدین و تمام النعمه، مجله حدیث پژوهی، شماره ۹.
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). تاریخ در ترازو، تهران، امیرکبیر.
۱۳. سجادی، سیدصادق؛ عالم زاده، هادی (۱۳۷۵). تاریخ نگاری در اسلام، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. صدوق، محمدبن علی (۱۳۸۳). کمال الدین و تمام النعمه، قم، دارالحدیث.
۱۵. ————— (۱۴۱۳ق). الاعتقادات، قم، مصنفات کنگره مفید.
۱۶. صدوق، محمود (۱۴۱۳). اضواء علی السنه المحمدیه، قم، مؤسسه انصاریان.
۱۷. عابدی، احمد (۱۳۷۸). آشنایی با بحارالانوار، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. قمی، شیخ عباس (بی تا). سفینه البحار، تهران، فراهانی.
۱۹. کریمی نیا، محمدمهدی (۱۳۸۹). آشنایی با مهم ترین مکاتب و دوره‌های فقهی شیعه مجله معرفت، ش ۹۳.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۱). بحارالانوارالجامعة لدرراخبار الائمة الاطهار، تحقیق: شیخ محمود دریاب، بیروت، دارالتعارف.

۲۱. (۱۳۷۵). بحار الانوار (مهدی موعود)، ترجمه: علی دوانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۴). روش فهم حدیث، تهران، انتشارات سمت.
۲۳. مفید، محمدبن نعمان الف (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه محمد خراسانی، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۴. ب (۱۴۱۳ق). تصحیح الاعتقاد، تحقیق: حسین درگاهی، قم، المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۲۵. نورالدین، حیدر (بهار ۱۳۸۸). نقش عقل در معرفت از دیدگاه علامه مجلسی، شماره ۳۹. پژوهش‌های فلسفی - کلامی.



معرفة الأسلوب التطبيقي للأحاديث المهدوية في المذاهب الحديثية في قم وبغداد وإصفهان

^١ على الراد

^٢ مريم النساج

نظراً لوجود الاختلاف في أساليب المذاهب الحديثية فإن دراسة كل واحد من المذاهب الحديثية الثلاثة في قم وبغداد وإصفهان يمكن إن يعرفنا على مجموعة من الرؤى والأسس والقواعد في اصول الأخذ بالحديث ونقله ومدى تطابق آرائهم أو إختلافها، وقد سعت هذه المقالة الى بيان معرفة أسلوب الأحاديث المهدوية من وجهة نظر هذه المذاهب الثلاثة وقد تم في ذلك إنتخاب كتاب كمال الدين وتمام النعمة للشيخ الصدوق من مذهب قم الحديثي وكتاب الإرشاد للشيخ المفيد من مذهب بغداد الحديثي وكتاب بحار الأنوار للعلامة المجلسي من مذهب إصفهان الحديثي ومن جملة الأهداف من وراء دراسة تلك الكتب والمذاهب معرفة الأصول والمعايير للمؤلفين في الإنتخاب والتقارير الواردة فيها وتحليل وتوضيح وبيان المضامين والمحتوى وإعتبارية الروايات المهدوية ومن هذا المنطلق فقد تطرقت المقالة الى الدراسة التطبيقية وبيان الوجوه والقواسم المشتركة في الكتب الثلاثة ونقاط الإفتراق والإختلاف بينها.

المصطلحات المحورية: معرفة الأسلوب، الأحاديث المهدوية، المذهب الحديثي، الإرشاد، كمال الدين وتمام النعمة، بحار الأنوار.

١٣٤
اسطر موعود

سال پانزدهم / شماره ٥١ / زمستان ١٣٩٤

١. أستاذ مساعد في قسم القرآن و الحديث في جامعة طهران، برديس الفارابي.

٢. طالبة في مرحلة الدكتوراه في قسم القرآن والحديث - برديس طهران.